

تحلیلی بر محدودیت ها و مشکلات دوره‌های آموزشی-ترویجی برگزار شده در استان همدان

یاسر محمدی^{۱*}، فرشته عوافی اکمل^۲

۱. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا

ایمیل: y.mohammadi@basu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا

ایمیل: f.avatefi28@gmail.com

چکیده

هدف از این مطالعه، تحلیل چالش‌ها و محدودیت‌های دوره‌های آموزشی-ترویجی برگزار شده در استان همدان بود. مطالعه از نوع اکتشافی و روش گردآوری داده‌های از نوع مطالعات میدانی بود. جامعه آماری این مطالعه، کشاورزان استان همدان بود که در دوره‌های آموزشی-ترویجی سازمان جهاد کشاورزی در رابطه با مبارزه با آفت سن گندم شرکت داشتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه ساختار یافته بود که شامل دو بخش اطلاعات فردی، اطلاعات مرتبط با محدودیت‌ها و مشکلات دوره‌های ترویجی و آموزشی بود که شامل ۳۳ گویه در قالب طیف لیکرت پنج قسمتی، کاملاً مخالفم- کاملاً موافقم بود. روایی محتوایی پرسشنامه توسط تعدادی از متخصصین در حوزه ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به مقدار بالاتر از ۰/۸ محاسبه شد که نشان دهنده پایایی پرسشنامه به کار گرفته شده بود. تحلیل عاملی اکتشافی برای تحلیل محدودیت‌ها و مشکلات دوره‌های آموزشی-ترویجی برگزار شده با استفاده از نرم افزار IBMSPSS نسخه ۲۱ مورد استفاده قرار گرفت. نتایج نشان داد که محدودیت‌ها و چالش‌های دوره‌های آموزشی-ترویجی را می‌توان در هفت عامل کلی خلاصه نمود که در مجموع ۷۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمود. "عدم تناسب محتوی دوره‌ها با زمان و نیاز کشاورزان" به‌عنوان مهم‌ترین محدودیت دوره‌های آموزشی-ترویجی و "فقدان آموزشگران با تجربه و آگاه به منطقه" به‌عنوان کم‌اهمیت‌ترین محدودیت شناخته شدند. با توجه به نتایج پیشنهاد می‌شود در محتوای دوره‌های ترویجی تجدید نظر شده و در راستای تناسب بیشتر با نیاز کشاورزان، از مشارکت آنها در تدوین برنامه‌های استفاده شود.

کلمات کلیدی: محدودیت‌ها، ترویج کشاورزی، دوره‌های آموزشی-ترویجی، کشاورزان، استان همدان

مقدمه

اهمیت و جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد ایران در راستای اهدافی مانند امنیت غذایی، کارآفرینی، اشتغال و درآمدزایی، رشد صادرات، تحرک بخشی به رشد سایر بخشها و مواردی از این دست، همواره مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران بوده است (نادری مهدی، ۱۳۹۴). توسعه این بخش در هر کشوری، تابع مولفه‌های پرشماری است که مورد توجه سیاست‌گذاران و متولیان توسعه بخش کشاورزی می‌باشد؛ در واقع مهم‌ترین وظیفه نهادهای تخصصی متولی کشاورزی شتاب بخشیدن و آسانگری توسعه کشاورزی با فراهم آوردن متغیرهای توسعه است (براتی و همکاران، ۱۳۹۳). هدف ترویج کشاورزی بهبود عملیات کشاورزی از طریق ترویج دانش در زمینه‌ی فناوری‌ها و عملیات و شیوه‌های نوین کشاورزی به خانوارهای کشاورز می‌باشد (Fabusoro et al, 2008). برای تجسم ذهنی از مفهوم آموزش ترویجی باید آن را فرآیندی بدانیم که حاصل واکنش‌ها بین عواملی از قبیل: فناوری، نهادها، افراد ذی نفع یا ارباب رجوع و روش‌های ارتباطی و نقش ترویج در این فرآیند، تسریع در امر پذیرش و به کارگیری فناوری جدید است (Eicher, 2007). آموزش و ترویج کشاورزی با استفاده از روش‌های مختلف، وسایل و امکانات مناسب آموزشی در راستای اهداف مورد نظر، مخاطبان و ذی نفعان خویش را مورد آموزش قرار داده تا تغییرات لازم در دانش، بینش، نگرش و در نهایت ارتقاء مهارت‌های لازم را در آنها به وجود آورند. چرا که به کارگیری یافته‌های علمی و فنی نوین، بهره‌وری بهتری از کار و افزایش تولید حاصل شده و نهایتاً افزایش درآمد



موجب تسهیل شرایط بهتر در زندگی اعضاء و ذی نفعان خواهد شد (سلوکی و چیذری، ۱۳۹۰). به طور اصولی ایجاد بینش و تفکر بهبود مداوم تولید در بهره‌برداران اساسی‌ترین و فراگیرترین هدف این نظام است. برای این منظور از ابزارهای متعددی استفاده میشود که برنامه‌های ترویجی از مهم‌ترین و متداولترین ابزارهای دستیابی نظام مذکور به این هدفها است (حاجی میر رحیمی، ۱۳۹۵). برنامه‌ریزی و برگزاری بهینه برنامه‌های آموزشی - ترویجی مطابق نیازهای بازار بخش کشاورزی و نیازهای تولیدکنندگان و دست‌اندرکاران این بخش تضمین‌کننده موفقیت و اثربخشی این برنامه‌ها است. از جانب دیگر، اثربخشی شایسته این برنامه‌ها موجب افزایش رضایت کشاورزان و به دنبال آن مشارکت مؤثر در برنامه‌های مذکور خواهد شد. بدیهی است پیامدهای عدم رضایت روستاییان در بازدهی کم، سوددهی پایین و هدف‌های تحقق نیافته در روند توسعه بخش کشاورزی جلوه‌گر خواهد شد (Martineau et al, 2009). همچنین، خدمات ارائه شده توسط ترویج کشاورزی که یکی از ابزارهای اصلی توسعه بخش کشاورزی است که از طریق بخش دولتی مدیریت شده است در سه دهه پیشین به دلایل و مسائل متعددی همچون پوشش ندادن شمار زیادی از کشاورزان، غیر مشارکتی بودن و دخالت ندادن کشاورزان در برنامه‌ها، انجام ندادن مطلوب کارکردهای واگذار شده، نامناسب بودن ساختار داخلی سازمانهای ترویجی، فقدان اثربخشی هزینه‌ها و کارایی درواحد زمان و غیره مورد انتقاد جدی قرار گرفته است (Rivera, 2000). اگر چه تعداد زیادی از مطالعات در ایران حکایت از ارزیابی مثبت دوره‌های ترویجی می‌کند اما تعدادی از مشکلات و محدودیتها در پیش روی فرایند اجرای فعالیت‌های آموزشی-ترویجی اثر بخشی آن را کاهش داده است (سوری و صدیقی، ۱۳۸۸). به منظور غلبه بر این مشکل و رفع ناکارآمدیها و ضعف‌های ذاتی سیستم‌های ترویج دولتی، در سالهای اخیر رویکردها و راهکارهای خاصی از جمله اصلاحات ساختاری، سیستم‌های ترویج قراردادی و تمرکززدایی و کاهش تصدیگری دولت معرفی شده است (Anderson, 2007). از آنجایی که فعالیت‌های ترویجی و آموزشی نقش مهمی و حیاتی در توسعه جوامع کشاورزی و روستایی ایفا میکند بررسی مشکلات و محدودیت‌های این فعالیت‌ها امری ضروری به نظر می‌رسد. لذا این پژوهش با هدف بررسی چالش‌های دوره‌های ترویجی و آموزشی در استان همدان انجام گرفته است.

مطالعات پیشین

سوری و همکاران (۱۳۸۸) مشکلات و محدودیت‌های فعالیت‌های آموزشی - ترویجی مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که مهم‌ترین مشکلات و محدودیت‌های فعالیت‌های آموزشی ترویجی به ترتیب اولویت، مشکلات مربوط به توسعه منابع انسانی (عدم تطابق برنامه‌های درسی دانشکده‌های کشاورزی با نیاز روز، ندانستن زبان خارجی و عدم استفاده از کتب و مجلات خارجی)، مشکلات اجرایی ترویج (عدم وجود سیستم صحیح ارزشیابی فعالیت‌های ترویج، کمبود بودجه)، مشکلات مربوط به تحقیقات و کاربرد آن در ترویج کشاورزی (عدم وجود هم‌آهنگی بین مؤسسات اجرایی و تحقیقاتی، ضعف ساختاری مؤسسات تحقیقاتی، منطبق نبودن تحقیقات با مشکلات و نیازهای روزمره کشاورزان)، مشکلات اداری (تبعیض حقوقی کارکنان ترویج به نسبت سایر دستگاه‌های اداری، عدم واگذاری سواد و پراکندگی سنی کشاورزان)، مشکلات اداری (تبعیض حقوقی کارکنان ترویج به نسبت سایر دستگاه‌های اداری، عدم واگذاری اختیار کافی به مسئولین ترویج)، مشکلات مدیریت منابع انسانی (سطح پایین انگیزش پرسنل ترویج، فقدان تحرک در سازمان) و مشکلات فیزیکی (پراکندگی و کوچک بودن مزارع، تغییرات سریع در کشاورزی) می‌باشد. نظر زاده زارع و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی موانع و مشکلات دوره‌های آموزشی ترویج کشاورزی از دیدگاه کشاورزان شرکت‌کننده در دوره‌های ترویج شهرستان دزفول پراختند، بر اساس نتایج پژوهش آنان از نظر کشاورزان این دوره‌ها با مشکلات و موانعی چون استفاده کم تر از مروج با تجربه و آگاه، استفاده کم مروجان از وسایل کمک آموزشی و سی‌دی، عدم تناسب محتوای ارائه شده با نیازهای آموزشی کشاورزان روبه‌رو بودند. بر اساس نتایج پژوهش خالخیلی و همکاران (۱۳۹۵) متغیرهای میزان درک مشکلات شرکت در کلاس، نگرش نسبت به مسولان و کارشناسان مرکزهای جهاد کشاورزی، میزان مراجعه به این مراکزها، میزان پذیرش مسولیت در روستا و شمار اعضای خانوار در پیش‌بینی

میزان انگیزه کشاورزان برای شرکت در کلاس های برگزار شده توسط جهاد کشاورزی سهم میبشد. در تحقیقی که چیدری و همکاران (۱۹۹۸). در استان اصفهان انجام داده اند کمبود تجهیزات تسهیلات آموزشی، پراکندگی بین کشاورزان و فقدان پیوند بین مراکز تحقیقاتی و سازمان ترویج را از مهم ترین موانع پیش روی توسعه و ارائه برنامه های آموزشی ارزیابی کرد هاند. سیدرو و راداکریشنا^۱ (۲۰۰۱) کمبود تسهیلات حمل و نقل، کمبود انگیزش پرسنل ترویج عدم دسترسی پرسنل ترویج به یادگیری جدید و تکنولوژی ارتباطات، کمبود پرسنل ترویج متخصص، کمبود اطلاعات تخصصی پرسنل ترویج، ارتباط ضعیف مروجان و محققان، کمبود صلاحیت های حرف های پرسنل ترویج، نارضایتی پرسنل ترویج از جمله مشکلات پیش روی فعالیت های ترویج عنوان کرده اند. تان و سینگ^۲ (۲۰۰۷) در تحقیق خود کمبود آموزش ضمن خدمت، کمبود تسهیلات حمل و نقل، کمبود بودجه، کمبود تسهیلات و تجهیزات آموزشی، کم سوادی کشاورزان، همکاری و مشارکت ضعیف کشاورزان با پرسنل ترویج، کمبود تجربه عملی پرسنل ترویج را از مشکلات پیش روی پرسنل ترویج عنوان کرده اند. اسریسوپاپورن^۳ و همکاران (۲۰۱۵)، در بررسی خود پذیرش و ادامه ی مشارکت کشاورزان در برنامه ی عمومی فعالیت های کشاورزی شالیکاران تایلدن عامل های موثر بر رفتار کشاورزان را شامل محدودیت های نیروی کار خانوار، مالکیت زمین، و انتظارات اولیه بالا در مورد فرصت های بازار برای برنج تولید شده عنوان کردند.

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت از نوع پژوهش های کمی محسوب می شود و از آنجا که هدف تحقیق بررسی چالش های دوره های ترویجی و آموزشی برگزار شده توسط سازمان جهاد کشاورزی می باشد، تحقیق از نوع توصیفی و از نظر چگونگی استفاده از نتایج و یافته های تحقیق، پژوهشی کاربردی است. جامعه آماری این مطالعه کشاورزان استان همدان که در دوره های آموزشی سازمان جهاد کشاورزی در رابطه با مبارزه با آفت سن گندم شرکت داشته اند را تشکیل می دهند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ساختار یافته بود که شامل دو بخش اطلاعات فردی، اطلاعات مرتبط با محدودیت ها و مشکلات دوره های ترویجی و آموزشی بود که شامل ۳۴ گویه در قالب طیف لیکرت پنج قسمتی، کاملاً مخالفم - کاملاً موافقم برای سنجش موانع و مشکلات موجود بود. روایی محتوایی آن توسط تعدادی از متخصصین در حوزه ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی بررسی و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد که بالاتر از ۰/۸ بوده که نشان دهنده پایایی پرسشنامه به کار گرفته شده می باشد. در تحقیق حاضر به منظور تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از آماره های توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در آمار توصیفی از آماره هایی نظیر میانگین، میانه، مد، انحراف معیار، کمینه و بیشینه استفاده می شود. و در آمار تحلیلی از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می پردازد و در نهایت آنها را در قالب عامل های عمومی محدودی دسته بندی و تبیین می کند.

نتایج و بحث

در این بخش به تشریح و توصیف داده های مربوط به ویژگی های جمعیت شناختی کشاورزان پرداخته شده است. طبق اطلاعات به دست آمده میانگین سنی گروه مورد مطالعه، ۳۵/۳۷ سال بود. کم سن ترین کشاورز ۲۳ سال و مسن ترین آنها نیز ۶۳ سال داشت. بیشترین افراد مورد مطالعه دارای تحصیلات راهنمایی بودند و کمترین فراوانی مربوط به افرادی که تحصیلات بالاتر از دیپلم داشتند بود. بر اساس نتایج تحقیق بیشتر افراد جامعه مورد مطالعه با فراوانی ۸۴/۱ درصد شغل اصلی خود را کشاورزی عنوان کرده اند. همچنین ۴۵ درصد از افراد مورد مطالعه دارای شغل دوم می باشند. بر اساس نتایج تحقیق بیشترین افراد متأهل (۹۲ درصد) و با خانواده خود زندگی می کنند. و تعداد افراد تحت تکفل فرد از ۰ تا ۹ می باشد که بیشترین فراوانی مربوط به افرادی است که ۴ نفر (۲۶/۵ درصد) را تحت تکفل خود دارند. از

¹ Cidro & Radhakrishna

¹ Thanh & Singh

³ Srisopaporn

مجموع ۱۱۳ نفر پاسخگو، تنها یک نفر (۰/۹ درصد) ۹ نفر را تحت تکفل خود داشت. وضعیت سکونت افراد مورد مطالعه نشانگر سکونت ۸۳/۲ درصد از آنان در روستا داشت. همچنین ۶۲/۲ درصد آنان دارای وسیله نقلیه شخصی داشتند. متوسط درآمد کشاورزان از شغل اصلی حدود بیست میلیون تومان در سال بود. با توجه به نقطه نظر پاسخگویان متوسط اراضی آنان به ترتیب اراضی باغی، اراضی زراعی دیم و اراضی زراعی آبی، حدوداً ۰/۳۶، ۱۷/۵۱ و ۶/۲۵ هکتار عنوان شده است. از مجموع ۱۱۳ نفر پاسخگو ۷۲ نفر (۶۳/۷ درصد) به طور شخصی مالک اراضی تحت کشت خود می‌باشند. مالکیت به صورت شراکتی با فراوانی ۱۷/۲ نیز پس از مالکیت شخصی دارای بیشترین فراوانی بود. همچنین کمترین فراوانی با ۰/۹ درصد به مالکیت اراضی وقفی اختصاص داشت. بر اساس نتایج تحقیق بیش از هفتاد درصد از افراد مورد مطالعه هیچ گونه دام خانگی (گاو، گوسفند، اسب) ننگه داری نمیکنند. نتایج پژوهش نشان داد که ۴۵/۱ درصد از افراد مورد مطالعه فاقد ماشین کشاورزی بودند همچنین طبقه اکثریت با فراوانی ۵۲/۲ درصد تنها دارای یک ماشین کشاورزی بودند. در رابطه با ویژگی های دوره آموزشی همه پاسخگویان در کلاس آموزشی مبارزه با سن گندم شرکت کرده بودند. تعداد جلسات کلاس های آموزشی در رابطه با مبارزه با سن گندم بر اساس نتایج پژوهش از یک جلسه تا هشت جلسه بوده است بیشترین فراوانی این منبر مربوط به کلاس آموزشی در دو جلسه بود. میانگین تعداد افراد شرکت کننده در کلاس ها حدود ۱۴ نفر و بر اساس نتایج تحقیق کلیه کلاس های برگزار شده رایگان بوده اند.

رتبه بندی محدودیتها و مشکلات دوره های آموزشی و ترویجی

جدول (۱) گویای رتبه بندی محدودیتها و مشکلات دوره های آموزشی و ترویجی می باشد. این موضوع در قالب ۳۴ گویه مورد بررسی قرار گرفت همانطوری که ملاحظه می شود، "مشارکت نداشتن افراد شرکت کننده در دوره آموزشی در تدوین برنامه" با ضریب تغییرات ۰/۲۹۹، "استفاده کم از وسایل آموزشی و کمک آموزشی" با ضریب تغییرات ۰/۳۰۸ و "دسترسی نداشتن کشاورز به منابع آموزشی دوره ها" با ضریب تغییرات ۰/۳۱۶ به عنوان مهمترین محدودیتها و مشکلات دوره های آموزشی و ترویجی می باشد. این در حالی است که "استفاده نکردن از آموزشگران با تجربه و آگاه در طول دوره ها"، "عدم تناسب محتوای ارائه شده با عنوان دوره ها"، "عدم کاربردی بودن راهنمایی ها و توصیه های مروجان" به ترتیب با ضریب تغییرات ۰/۴۸۲، ۰/۵۱۳ و ۰/۴۸۰ در رتبه های آخر قرار دارند. سایر نتایج در جدول (۱) قابل مشاهده است.

جدول (۱) رتبه بندی محدودیت‌ها و مشکلات دوره‌های آموزشی و ترویجی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	محدودیت‌ها و مشکلات دوره‌های آموزشی و ترویجی
۱	۰/۲۹۹	۱/۰۶۸	۳/۵۶۶	مشارکت نداشتن افراد شرکت کننده در دوره آموزشی در تدوین برنامه
۲	۰/۳۰۸	۱/۰۸۶	۳/۵۲۲	استفاده کم از وسایل آموزشی و کمک آموزشی
۳	۰/۳۱۶	۱/۰۹۴	۳/۴۶۰	دسترسی نداشتن کشاورز به منابع آموزشی دوره ها
۴	۰/۳۵۱	۱/۱۸۰	۳/۳۵۶	مشارکت نداشتن افراد شرکت کننده در دوره آموزشی در تدوین برنامه
۵	۰/۳۶۰	۱/۲۴۶	۳/۴۶۰	عدم استفاده مروج از وسایل آموزشی و کمک آموزشی
۶	۰/۳۶۴	۱/۱۵۹	۳/۱۷۷	بیسوادی بالا در میان کشاورزان
۷	۰/۳۶۷	۱/۲۷۵	۳/۴۶۹	عدم همکاری سازمان های محلی با برگزاری دورهها
۸	۰/۳۸۰	۱/۳۴۳	۳/۵۳۱	عدم توجه به آموزش مشکلات منطقه ای
۹	۰/۳۸۵	۱/۱۹۱	۳/۰۸۸	نظارت و کنترل ضعیف بر کیفیت برگزاری دورهها
۱۰	۰/۳۸۵	۱/۳۰۴	۳/۳۸۰	استفاده آموزشگر از روشهای آموزشی یکنواخت در ارائه محتوا
۱۱	۰/۳۸۶	۱/۳۱۲	۳/۳۹۸	بیسوادی بالا در میان کشاورزان
۱۲	۰/۳۸۸	۱/۱۹۶	۳/۰۷۹	عدم تناسب زمان برگزاری دوره با شرایط زمانی کشاورز
۱۳	۰/۴۰۰	۱/۳۱۱	۳/۲۷۴	تاثیر جنسیت مروج بر کیفیت اجرای دورهها
۱۴	۰/۴۰۵	۱/۲۹۲	۳/۱۸۵	عدم تناسب مدت زمان دورهها با حجم مطالب
۱۵	۰/۴۰۶	۱/۲۶۸	۳/۱۲۳	عدم علاقه و انگیزه شرکت کنندگان در دوره آموزشی به یادگیری
۱۶	۰/۴۰۶	۱/۲۸۸	۳/۱۶۸	نداشتن دید مثبت به برنامه های آموزشی و ترویجی
۱۷	۰/۴۱۰	۱/۳۰۶	۳/۱۸۵	عدم تناسب دورههای برگزار شده با محصولات کشت شده در منطقه
۱۸	۰/۴۱۰	۱/۲۴۹	۳/۰۴۴	عدم تناسب رشته تحصیلی آموزشگر با دوره آموزشی
۱۹	۰/۴۱۰	۱/۲۱۲	۲/۹۵۵	سطح پایین انگیزه و مسئولیتپذیری در آموزشگران
۲۰	۰/۴۱۲	۱/۱۶۱	۲/۸۱۴	دعوت از آموزشگران خارج از شهرستان برای برگزاری دورهها
۲۱	۰/۴۱۳	۱/۳۰۶	۳/۱۵۹	ارائه اطلاعات تکراری به کشاورزان
۲۲	۰/۴۱۷	۱/۲۲۶	۲/۹۳۸	روز نبودن دانش آموزشگران
۲۳	۰/۴۲۰	۱/۲۴۲	۲/۹۵۵	عدم امکان پوشش تمام متقاضیان
۲۴	۰/۴۲۹	۱/۱۶۲	۲/۷۰۸	تبعیض قائل شدن آموزشگر در ارائه اطلاعات به کشاورزان
۲۵	۰/۴۳۹	۱/۳۸۱	۳/۱۴۱	ارائه دورهها به صورت فشرده
۲۶	۰/۴۵۷	۱/۳۹۱	۳/۰۴۴	تناسب محتوای ارائه شده با سطح سواد کشاورز
۲۷	۰/۴۶۰	۱/۳۳۲	۲/۸۹۳	تناسب نداشتن مطالب ارائه شده در دوره ها با تجارب قبلی کشاورز
۲۸	۰/۴۵۶	۱/۴۱۶	۳/۰۴۴	طراحی نکردن محتوای آموزشی دورهها متناسب با نیازهای کشاورز
۲۹	۰/۴۶۷	۱/۲۶۵	۳/۷۰۸	تعامل ضعیف بین آموزشگر و فراگیر
۳۰	۰/۴۷۳	۱/۳۹۴	۳/۹۴۶	عدم برخورداری فضای آموزشی از آرامش کافی
۳۱	۰/۴۸۰۰	۱/۴۰۶	۳/۹۲۹	عدم کاربردی بودن راهنمایی ها و توصیه‌های مروجان

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	محدودیت‌ها و مشکلات دوره‌های آموزشی و ترویجی
۳۲	۰/۴۸۲	۱/۲۹۶	۳/۶۳۸	استفاده نکردن از آموزشگران با تجربه و آگاه در طول دوره‌ها
۳۳	۰/۵۱۳	۱/۳۰۹	۲/۵۴۸	عدم تناسب محتوای ارائه شده با عنوان دوره‌ها

محدودیت‌ها و مشکلات دوره‌های آموزشی-ترویجی در استان همدان

به منظور کاهش شمار گویه‌های مربوط به محدودیت‌ها و مشکلات دوره‌های آموزشی-ترویجی و تعیین سهم متغیرها در ایجاد عامل‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی به روش تحلیل مولفه‌های اصلی و چرخش عاملی واریانس استفاده شد. محاسبات انجام شده نشان داد که انسجام درونی داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بود ($KMO=0/86$) و آماره بارتلت ($3384/254 =$ بارتلت) نیز در سطح $p=0/001$ معنی دار شد. در فرایند تحلیل عاملی با توجه به ملاک کیسر، هفت عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک استخراج و بر پایه بیشینه واریانس مرتب شدند. این یافته‌ها در جدول (۲) قابل مشاهده است. نتایج نشان داد که این هفت عامل در مجموع حدود ۷۵ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته یعنی مشکلات دوره‌های آموزشی-ترویجی در استان همدان را تبیین کردند (جدول ۳).

جدول (۲) خلاصه تحلیل عاملی و نامگذاری محدودیت‌ها و مشکلات دوره‌های آموزشی-ترویجی

عامل	نام عامل	مقدار ویژه	واریانس تبیین شده	واریانس انباشته
اول	عدم تناسب محتوای دوره‌ها با زمان و نیاز کشاورزان	۶/۴۵۴	۱۹/۵۵۷	۱۹/۵۵۷
دوم	کیفیت پائین روشهای آموزشی و فقدان همکاری	۴/۲۴۷	۱۲/۸۷۰	۳۲/۴۲۶
سوم	فقدان نظارت بر کیفیت دوره‌ها و بی‌انگیزه طرفین	۴/۰۱۱	۱۲/۱۵۵	۴۴/۵۸۲
چهارم	به‌روز نبودن آموزشگران و تعامل ضعیف با فراگیران	۳/۱۵۲	۹/۵۵۲	۵۴/۱۳۴
پنجم	تکراری بودن و کاربردی نبودن دوره‌ها	۲/۹۶۴	۸/۹۸۲	۶۳/۱۱۶
ششم	فقدان حمایت از دوره‌ها و پوشش تمامی مخاطبان	۲/۴۹۹	۷/۵۷۴	۷۰/۶۹۰
هفتم	فقدان آموزشگران با تجربه و آگاه به منطقه	۱/۵۵۷	۴/۷۱۷	۷۵/۴۰۷

در ادامه عامل‌های استخراج شده به همراه گویه‌های مربوطه و بارهای عاملی در قالب یک جدول آمده است. همانطور که قابل ملاحظه است محدودیت‌ها و مشکلات دوره‌های آموزشی-ترویجی را می‌توان در هفت عامل کلی خلاصه کرد که مهم‌ترین آنها عدم تناسب محتوای دوره‌ها با زمان و نیاز کشاورزان و کم اهمیت‌ترین آن فقدان آموزشگران با تجربه و آگاه به منطقه است. در ادامه، هر یک از عامل‌های استخراج شده به‌طور خلاصه توضیح داده شده است.



جدول (۳) ماتریس عاملی دوران یافته محدودیت ها و مشکلات دوره های آموزشی-ترویجی در استان همدان

پرورش ها	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵	عامل ۶	عامل ۷
۱ استفاده آموزشگر از روش های آموزشی یکنواخت در ارائه محتوا		۰/۴۹۸					
۲ دعوت از آموزشگران خارج از شهرستان برای برگزاری دوره ها						۰/۸۹۵	
۳ استفاده نکردن از آموزشگران با تجربه و آگاه در طول دوره ها							۰/۴۷۸
۴ تبعیض قائل شدن آموزشگر در ارائه اطلاعات به کشاورزان					۰/۵۱۱		
۵ ارائه اطلاعات تکراری به کشاورزان					۰/۷۱۸		
۶ عدم کاربردی بودن راهنمایی ها و توصیه های مروجان					۰/۷۶۵		
۷ تاثیر جنسیت مروج بر کیفیت اجرای دوره ها					۰/۷۷۳		
۸ عدم استفاده مروج از وسایل آموزشی و کمک آموزشی					۰/۴۶۸		
۹ عدم تناسب زمان برگزاری دوره با شرایط زمانی کشاورز		۰/۵۹۲					
۱۰ عدم تناسب مدت زمان دوره ها با حجم مطالب		۰/۶۹۴					
۱۱ عدم تناسب دوره های برگزار شده با محصولات کشت شده در منطقه		۰/۶۸۳					
۱۲ ارائه دوره ها به صورت فشرده		۰/۷۵۷					
۱۳ عدم برخورداری فضای آموزشی از آرامش کافی		۰/۸۲۷					
۱۴ طراحی نکردن محتوای آموزشی دوره ها متناسب با نیازهای کشاورز		۰/۸۴۸					
۱۵ تناسب محتوای ارائه شده با سطح سواد کشاورز		۰/۸۰۶					
۱۶ تناسب نداشتن مطالب ارائه شده در دوره ها با تجارب قبلی کشاورز		۰/۸۰۳					
۱۷ عدم تناسب محتوای ارائه شده با عنوان دوره ها				۰/۶۵۳			
۱۸ تعامل ضعیف بین آموزشگر و فراگیر				۰/۸۱۱			
۱۹ به روز نبودن دانش آموزشگران				۰/۷۲۰			
۲۰ عدم امکان پوشش تمام متقاضیان						۰/۴۰۷	
۲۱ بیسوادی بالا در میان کشاورزان						۰/۵۶۷	
۲۲ فقدان بودجه کافی برای آموزش						۰/۷۸۴	
۲۳ عدم توجه به آموزش مشکلات منطقه ای						۰/۶۱۹	
۲۴ نظارت و کنترل ضعیف بر کیفیت برگزاری دوره ها			۰/۶۶۴				
۲۵ عدم ارزشیابی مستمر و مناسب			۰/۷۷۹				
۲۶ عدم تناسب رشته تحصیلی آموزشگر با دوره آموزشی			۰/۷۳۰				
۲۷ نداشتن دید مثبت به برنامه های آموزشی و ترویجی			۰/۴۶۵				
۲۸ عدم علاقه و انگیزه شرکت کنندگان در دوره آموزشی به یادگیری			۰/۴۸۲				
۲۹ سطح پایین انگیزه و مسئولیت پذیری در آموزشگران			۰/۵۷۴				
۳۰ عدم همکاری سازمان های محلی با برگزاری دوره ها		۰/۵۱۷					
۳۱ فقدان مشارکت افراد شرکت کننده در دوره آموزشی در تدوین برنامه		۰/۶۹۹					

پررسش‌ها	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵	عامل ۶	عامل ۷
۳۲ استفاده کم از وسایل آموزشی و کمک آموزشی		۰/۸۵۶					
۳۳ دسترسی نداشتن کشاورز به منابع آموزشی دوره ها		۰/۸۰۰					

۱- عدم تناسب محتوی دوره‌ها با زمان و نیاز کشاورزان

این عامل با تبیین ۱۹/۵۷ درصد از واریانس کل محدودیت‌ها و مشکلات دوره‌های آموزشی-ترویجی، به عنوان مهم‌ترین عامل شناخته شد. عدم تناسب مدت زمان دوره‌ها با حجم مطالب، عدم تناسب دوره‌های برگزار شده با محصولات کشت شده در منطقه، ارائه دوره‌ها به صورت فشرده، عدم برخورداری فضای آموزشی از آرامش کافی، تناسب محتوای ارائه شده با سطح سواد کشاورز و تناسب نداشتن مطالب ارائه شده در دوره‌ها با تجارب قبلی کشاورز از جمله مواردی هستند که در این بخش اثر گذارند اگر در برنامه ریزی برگزاری کلاس‌های آموزشی و ترویجی این موارد مورد توجه قرار گیرد، این امر به نوبه‌ی خود میتواند زمینه ساز اثربخشی بیشتر این دوره‌ها را موجب گردد.

۲- کیفیت پائین روشهای آموزشی و فقدان همکاری

این عامل با تبیین ۱۲/۸۷ درصد از واریانس کل مشکلات و محدودیت‌های دوره‌های آموزشی و ترویجی، به عنوان دومین عامل مهم شناخته شد. عدم همکاری سازمان‌های محلی با برگزاری دوره‌ها، فقدان مشارکت افراد شرکت‌کننده در دوره آموزشی در تدوین برنامه، استفاده کم از وسایل آموزشی و کمک آموزشی و دسترسی نداشتن کشاورز به منابع آموزشی دوره‌ها جزء مواردی هستند که در این عامل جای دارند. هر یک از این موارد در ارتباط با مشکلات و محدودیت‌های دوره‌های آموزشی و ترویجی می‌باشند، به طوری که همکاری با سازمان‌های محلی و جلب مشارکت جامعه محلی میتواند بر مشارکت بیشتر کشاورزان در دوره‌های برگزار شده کمک شایان توجهی نماید. افزون بر این استفاده از وسایل کم آموزشی و روش‌های آموزشی کارآمد میتواند بر اثر گذاری بیشتر این دوره‌ها موثر واقع شود.

۳- فقدان نظارت بر کیفیت دوره‌ها و بی‌انگیزه طرفین

این عامل با تبیین ۱۲/۱۵ درصد از واریانس کل محدودیت‌ها و مشکلات دوره‌های آموزشی-ترویجی، به عنوان سومین عامل مهم اثرگذار شناسایی گردید. نظارت و کنترل ضعیف بر کیفیت برگزاری دوره‌ها، عدم ارزشیابی مستمر و مناسب، عدم تناسب رشته تحصیلی آموزشگر با دوره آموزشی، نداشتن دید مثبت به برنامه‌های آموزشی و ترویجی، عدم علاقه و انگیزه شرکت‌کنندگان در دوره آموزشی به یادگیری و سطح پایین انگیزه و مسئولیت‌پذیری در آموزشگران جز مواردی هستند که در این عامل شناسایی گردیدند. موارد یاد شده بر اثر بخشی دوره‌های ترویجی و آموزشی اثر گذار می‌باشند که توجه به هر یک از آنها آثار مثبتی بر مشارکت و رضایت کشاورزان در این دوره‌ها خواهد داشت.

۴- به‌روز نبودن آموزشگران و تعامل ضعیف با فراگیران

این عامل با تبیین ۹/۵۵ درصد از واریانس کل محدودیت‌ها و مشکلات دوره‌های آموزشی-ترویجی، به عنوان چهارمین عامل مهم اثرگذار شد. عدم تناسب محتوای ارائه شده با عنوان دوره‌ها، تعامل ضعیف بین آموزشگر و فراگیر، روز نبودن دانش آموزشگران از جمله مواردی هستند که این عامل را تبیین می‌کنند. تعامل ضعیف بین آموزشگر و فراگیر و روز نبودن دانش آموزشگران از جمله مواردی است که همواره بر اثر بخشی دوره‌های آموزشی اثر گذار است که توجه لازم را می‌طلبد.

۵- تکراری بودن و کاربردی نبودن دوره‌ها

این عامل با تبیین ۸/۹۸ درصد از واریانس کل محدودیت‌ها و مشکلات دوره‌های آموزشی-ترویجی، به عنوان پنجمین عامل مهم اثرگذار شناخته شد. تبعیض قائل شدن آموز شگر در ارائه اطلاعات به کشاورزان، ارائه اطلاعات تکراری به کشاورزان، عدم کاربردی بودن راهنمایی‌ها و توصیه‌های مروجان، تاثیر جنسیت مروج بر کیفیت اجرای دوره‌ها و عدم استفاده مروج از وسایل آموزشی و کمک آموزشی را می‌توان به عنوان مهم‌ترین موارد اثرگذار بر تکراری بودن و کاربردی نبودن دوره‌ها به شمار آورد.

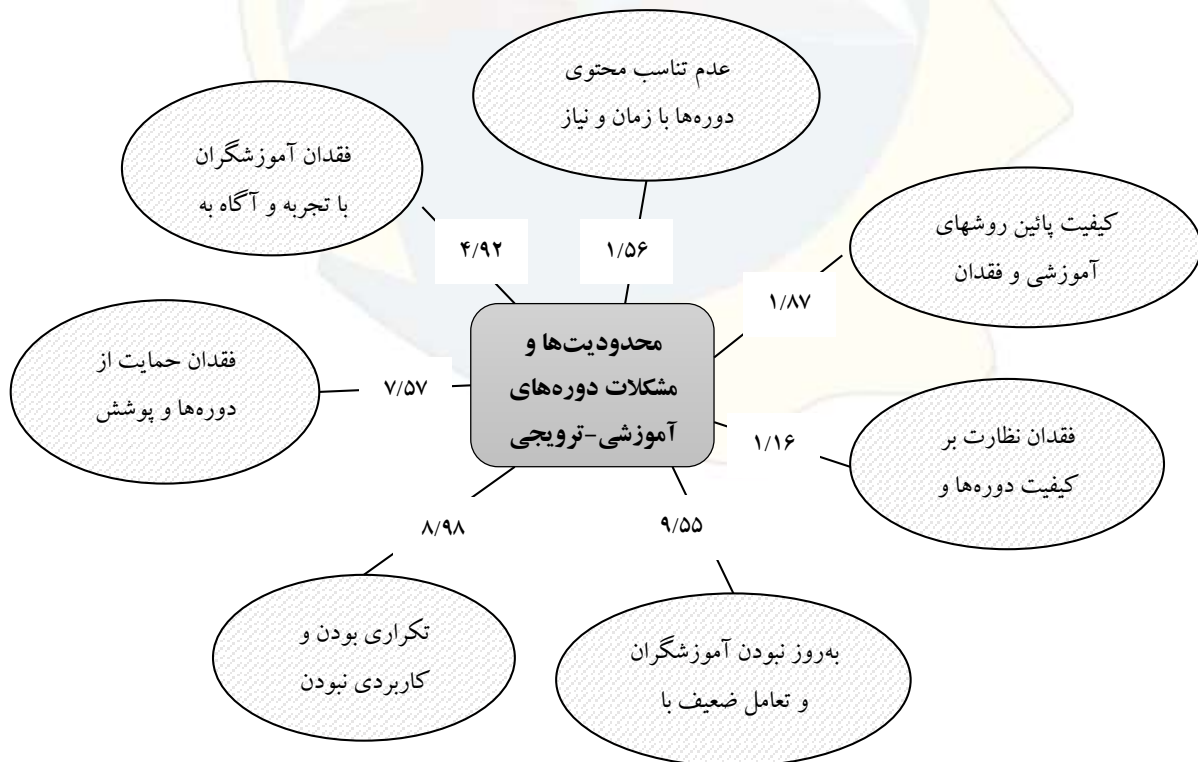
۶- فقدان حمایت از دوره‌ها و پوشش تمامی مخاطبان

فقدان حمایت از دوره‌ها و پوشش تمامی مخاطبان با تبیین ۷/۵۷ درصد از واریانس کل محدودیت‌ها و مشکلات دوره‌های آموزشی-ترویجی، به عنوان ششمین عامل مهم شناخته شد. عدم امکان پوشش تمام متقاضیان، بیسوادی بالا در میان کشاورزان، فقدان بودجه کافی برای آموزش و عدم توجه به آموزش مشکلات منطقه‌ای از جمله‌ی مواردی هستند که در این عامل جای گرفتند.

۷- فقدان آموزشگران با تجربه و آگاه به منطقه

این عامل با تبیین ۴/۷۱ درصد از واریانس کل محدودیت‌ها و مشکلات دوره‌های آموزشی-ترویجی، به عنوان هفتمین و آخرین عامل اثرگذار شناخته شد. این عامل شامل دعوت از آموزشگران خارج از شهرستان برای برگزاری دوره‌ها و استفاده نکردن از آموزشگران با تجربه و آگاه در طول دوره‌ها است. استفاده از آموزشگران با تجربه و بومی می‌تواند موجبات رضایت بیشتر کشاورزان را از دوره‌ها فراهم آورد.

محدودیت‌ها و مشکلات دوره‌های آموزشی-ترویجی بطور خلاصه به همراه درصد واریانس تبیین شده در شکل زیر آورده شده است (شکل ۱).



شکل ۱- محدودیت‌ها و مشکلات تخلص شده دوره‌های آموزشی-ترویجی به همراه درصد واریانس تبیین شده

بحث و نتیجه گیری

همانطور که نتایج این مطالعه نشان داد مهم ترین مشکلات دوره های آموزشی-ترویجی به محتوی دوره ها مرتبط می شود که با نیازهای مخاطبان همخوانی لازم را ندارد و این نشان می دهد که این دوره ها با مطالعه قبلی و شناخت نیازها و اولویت های واقعی کشاورزان انجام نمی شود. در کنار مشکلات عدم تناسب محتوی دوره ها، روشهای آموزشی یکنواخت بوده و تنوع و خلاقیتی در آنها دیده نمی شود. عدم همکاری نهادها و خود مخاطبان در تدوین دوره های آموزشی و روشهای آموزشی نیز باعث شده تا اثربخشی دوره های آموزشی-ترویجی بسیار پایین باشد. بسیاری از این مشکلات در گروه فقدان نظارت بر کیفیت دوره های برگزار شده قبلی و ارزیابی اثربخشی آنها بوده است که باعث شده کشاورزان از انگیزه لازم برای حضور در دوره های جدید برخوردار نباشند. آموزشگران نیز از دانش و توانایی علمی و فنی کفایت برخوردار نیستند که باعث عدم اعتماد فی مابین آموزشگر و مخاطبین شده که در نتیجه آن تعامل ضعیف این پیوند را باعث می شود. عدم اعتماد کشاورزان حاصل موفق نبودن بسیاری از توصیه های قبلی آموزشگران است که بدلیل دانش ضعیف ارائه شده است. از سوی دیگر کاربردی نبودن این دوره ها که برای کشاورزان بسیار کلیدی است از دیگر محدودیت این دوره های ترویجی است. کشاورزان بدنبال حضور در این دوره ها جهت حل سریع مشکلات خود هستند اما کاربردی نبودن این دوره ها محدودیتی بزرگ به حساب می آید. باید اذعان داشت که حمایت های لازم دولتی نیز از این دوره ها انجام نمی شود. فقدان بودجه لازم برای برگزاری دوره های ترویجی و مروجان کافی خود باعث شده تا کشاورزان بخوبی مورد پوشش برنامه های ترویجی قرار نگیرند و فقدان تناسب بین مروجان و تخصص آنها که ترویجی نیستند و حتی بومی شهرستان نیستند و به مشکلات منطقه آگاه نیستند باعث شده تا دوره های اثربخشی بسیار پایینی برخوردار باشند. پیشنهاد می شود که ابتدا محتوای دوره های آموزشی-ترویجی مورد بازبینی و بازنویسی قرار گیرند و در تدوین دوره ها حتما از مشارکت فکری کشاورزان استفاده شده و نیازسنجی اولیه از آنها صورت گیرد تا محتوای دوره ها متناسب با اهداف و اولویت های کشاورزان باشد. در ادامه پیشنهاد می شود که حمایت لازم مالی از بخش ترویج صورت گرفته و جذب مروجان بیشتر با تخصص ترویج در اولویت دولت قرار گیرد. البته این مروجان باید از دانش فنی به روز و اطلاعات جامعه شناسی و روانشناسی لازم برای برقراری ارتباط با مردم بومی را داشته باشند.

منابع

- براتی، ع؛ رمضانی، م؛ مظفر امینی، ا؛ علی بیگی، ا. (۱۳۹۳). نگرش و گرایش کشاورزان استان اصفهان نسبت به شرکت در دورهای آموزشی و ترویجی کشاورزی بر پایه مدل فیش باین - آیزن، فصل نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۶۳، شماره ۶۳-۷۳. حاجی میرحیمی، د. (۱۳۹۵). بررسی سطح رضایت روستاییان دامدار از فعالیتهای آموزشی-ترویجی سازمان جهادکشاورزی استان قم، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲۷-۲، شماره ۱، صص ۴۵-۲.
- سلوکی، م؛ چیدزی، م. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی فعالیتهای آموزشی-ترویجی در ارتقاء سطح دانش اعضای تعاونی های تولیدی کشاورزی استان سمنان، پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال چهارم، شماره ۱، (پیاپی ۱۳).

سوری، س؛ حسن ص و پزشکی راد، غ. (۱۳۸۸)، شناسایی مشکلات و محدودیت های فعالیت های آموزشی - ترویجی از دیدگاه مروجان و کارشناسان ترویج کشاورزی استان قم، سومین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی، مشهد، انجمن ترویج و آموزش کشاورزی ایران، https://www.civilica.com/Paper-TARVIJCONF03-TARVIJCONF03_118.html

عزیزی خالخیلی، ط؛ کریمی گوغری، ح؛ اکبرپور، م. (۱۳۹۵). انگیزه های کشاورزان برای شرکت در برنامه های آموزشی مرکزهای جهاد کشاورزی، فصل نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۳۹، شماره ۶۶-۵۴.

نادری مهدی، ک؛ چرخ تابیان، ط؛ و لطیفی، س. (۱۳۹۴). سنجش سطح توسعه کشاورزی در استانهای غرب کشور با استفاده از تکنیکهای تصمیمگیری چندشاخصه (MADM). مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۱۱، شماره ۲، صص ۶۹-۷۵.

نظر زاده زارع، م؛ درانی، ک؛ غلامعلی لواسانی، م. (۱۳۹۰). بررسی موانع و مشکلات دوره های آموزشی ترویج کشاورزی از دیدگاه کشاورزان شرکت کننده در دوره های ترویج شهرستان دزفول، پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال هشتم، دوره دوم، شماره ۱ و ۲، ۱۳-۱.

Anderson, J. (2007). Agricultural advisory services. A background paper for WDR, Washington, DC: World Bank.

Cidro, A. D., & Radhakrishna, R. (2001). Extension, technology, and client constraints in Hybrid rice technology and client constraints in Hybrid rice technology as perceived by farmers and extension agents in the Philippines. Proceedings of the 23rd Association for International Agriculture and Extension Education Annual Conference, Polson, Montana, Pp, 47-58.

Eicher, Carl K. (2007). Agricultural Extension in Africa and Asia, Cornell University, Ithaca, New York. pp 5-12. The online version of this article can be found at: <http://worldaginfo.org/drupal/files/Agricultural%20Extension%20in%20Africa%20and%20Asia2.pdf>

Fabusoro, E., Awotunde, J. A., Sodiya, C. I., & Alarima, C. I. (2008). Status of job motivation and job performance of field level extension agents in Ogun State: Implications for agricultural development. Journal of Agricultural Education and Extension, 14(2):139-152.

Martineau, T., Lehman, U., Matwa, P., Kathyola, J. & Storey, K. (2009). Factors affecting retention of different groups of rural health workers in Malawi and Eastern Cape Province, South Africa. http://www.who.int/hrh/migration/background_paper.pdf

Pezeshki-rad, G., Aghahi, H., & Ukaga, O. (2001). Opinions of Extension Authorities Towards Agricultural Extension Problems in Iran, Journal of Extension Systems, 17(1).

Srisopaporn, S., Jourdain, D., Perret, S. R., & Shivakoti, G. (2015). Adoption and continued participation in a public Good Agricultural Practices program: The case of rice farmers in the Central Plains of Thailand. Technological Forecasting & Social Change, 96 (2015) 242-253.

Rivera, W. (2000). Confronting global market: Public sector agricultural extension reconsidered. Journal of Extension Systems, 16 (4), 33- 54.

Thanh, N, C, & Singh, B. (2007). Problems Faced by Extension Personnel Some Comparisons Between Vietnam and India, Journal of Omonrice, 15, 173- 164.